

## Hermeneutic Analysis of the Relationship between Political Background and the Ideas of Mohaqqeq Karaki in the Safavid Government

### Parviz Jamshidi Mehr

Instructor, Farhangian University, Isfahan, Iran (**Corresponding author**). parvizjamshidi۱۳۶۶@gmail.com

### Hamid Nasaj

Associate Professor, Political Science Department, Isfahan University, Isfahan, Iran. h.nassaj@ase.ui.ac.ir

### Abstract

The purpose of the present study is hermeneutic analysis of the relationship between political background and the ideas of Mohaqqeq Karaki in the Safavid government. The findings showed that as a result of the Safavid attempts, religious structure in line with political structure was formed. The scientific presence of Shi'ite immigrants, especially Mohaqqeq Karaki, with writing jurisprudential and religious texts on the one hand, and educating many pupils on the other hand, could pave the transition ground to a new norm and its expansion. In order to find out the structural changes in that period and the relative transformations in the realm of exegesis of religious texts, we should refer to hermeneutics. In the Safavid era, we witnessed the development and change of the conventional ideology or norm. Therefore, when we refer to the religious texts of that era, we encounter some new terms which imply a change in ideology. In fact, the Safavid government, by using different methods and policies and prudence of Shi'ite jurists, attempted to change the conventional norms of that time. The jurists throughout their enormous attempts could keep the Shi'ite jurisprudence (Fiqh) away from innovations in religious matters back then such as Sufism, ideology of Ottoman religious leaders and ... to pave the ground for the active participation of people and Shi'ite scholars in different issues of the country.

**Keywords:** Mohaqqeq Karaki, Safavid, Skinner's Hermeneutic Method, Safavid Government, Hermeneutic Analysis.

## تحلیل هرمنوتیکی ارتباط زمینه سیاسی با اندیشه محقق کرکی در حکومت صفویه

پرویز جمشیدی مهر

مری، دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). parvizjamshidi۱۳۶۶@gmail.com

حمید نساج

دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. h.nassaj@ase.ui.ac.ir

### چکیده

هدف پژوهش حاضر تحلیل هرمنوتیکی ارتباط زمینه سیاسی با اندیشه‌های محقق کرکی، در حکومت صفویه می‌باشد. در این راستا از روش هرمنوتیک اسکینر استفاده شده است. نتایج نشان داد که در نتیجه تلاش‌های صفویان، ساختار دینی همراه با ساختار سیاسی شکل گرفت. حضور علمی مهاجر شیعی به ویژه محقق کرکی با نگارش متون فقهی و دینی از یک سو و تربیت شاگردان بسیار از سوی دیگر، توانست مسیر گذار به هنجار جدید را مهیاء و شرایط را برای گسترش آن فراهم آورد. برای پی بردن به تغییرات ساختاری در این دوره و متناسب با آن دگرگونی‌هایی که در عرصه تغییر تفسیر متون دینی مورد توجه قرار گرفت، باید به هرمنوتیک رجوع کرد. در دوره صفویه شاهد تکوین و تغییر ایدئولوژی یا هنجار مرسوم هستیم. بنابراین، هنگامی که به متون دینی دوره صفوی ورود می‌کنیم، با واژگان جدیدی مواجه می‌شویم که از تغییر ایدئولوژی حکایت دارند. در واقع حکومت صفوی با روش‌های مختلف و سیاست‌های گوناگون و با تدبیر فقهای شیعه، تلاش کرد تا هنجار مرسوم زمانه را تغییر دهد. فقها با تلاش‌های فراوان در کنار حکومت صفوی توانستند فقه شیعه را از بدعت‌های زمانه مانند مسلک صوفیانه، تفکر رهبران مذهبی عثمانی و... حفظ کنند و زمینه حضور پررنگ مردم و علمای شیعه در مسائل مختلف کشور را فراهم نمایند.

**کلیدواژه‌ها:** محقق کرکی، صفویه، روش هرمنوتیک اسکینر، حکومت صفویه، تحلیل هرمنوتیکی.

## مقدمه

محقق کرکی بزرگ‌ترین عالم و فقیه شیعه است که در سده نخست دولت صفوی به‌ویژه دهه اخیر آن، نقش مهمی در صحنه سیاست مذهبی این دولت ایفا نمود. از مهم‌ترین ویژگی‌های وی، ارتباط نزدیک با دولتمردان صفوی به‌ویژه شاه طهماسب است که باعث شد تشیع فقه‌آلود بر دولت صفوی غلبه پیدا کند. علی‌رغم مخالفت‌های افرادی چون شیخ ابراهیم قطیفی در موارد متعدد از جمله همکاری با سلطان جائر و تصرف در امور مالی در عصر غیبت توسط فقها، محقق کرکی توانست شاگردان زیادی را برای ادامه و استمرار تغییر بنیادین حکومت صفوی تربیت کرده و پرده از ابهام بسیاری از مسائل برداشته و به شبهات مطرح شده حاصل از دگرگونی ایجاد شده، پاسخ دهد. تحول فقه سیاسی نقش مهمی در شرایط آن روز ایران ایجاد کرد. در این مقاله سعی شده است تا با نگاهی هرمنوتیکی به متون و اندیشه محقق کرکی رجوع کنیم و فهم متون مذکور را با توجه به زمینه‌های شکل‌گیری آن‌ها مورد تحلیل قرار دهیم.

## چارچوب نظری

اسکینر ضمن نقد رویکردهای سنتی متن‌گرا در نوشتن نظریه سیاسی تاریخ، معتقد است این رویکردها به‌ندرت تاریخ‌های اصلی به ما می‌دهند. وی معتقد است مشکل رویکرد متن‌گرایی این است که وجود یک‌سری مفاهیم را ابدی و ازلی دانسته و به جایگاه و زمینه تاریخی شکل‌گیری آن‌ها بی‌توجه است (Skinner, ۱۹۶۹, p. ۱۳). به همین دلیل، در تاریخ‌نگاری‌های اخیر برای درک جوامع پیشین باید ذهنیت‌های متفاوتشان را به همدلانه‌ترین وجه ممکن فهمید. بنابراین باید متون کلاسیک را در زمینه ایدئولوژیک خودشان قرار داد تا بتوان به تصویر واقع‌بینانه‌تری از نحوه پرداخت به تفکر سیاسی در همه اشکال گوناگونش رسید. از طرف دیگر، این رویکرد می‌تواند پیوندهای میان نظریه‌های سیاسی و رفتار را توضیح دهد. اسکینر بر این باور است که کنشگر پروژه‌ای دارد که می‌خواهد مشروعش سازد، بنابراین فقط اصولی را پیشه می‌کند که بهتر می‌تواند کنش وی را به لحاظ اخلاقی توضیح دهد (اسکینر، ۱۳۹۳، ص ۱۴، ۱۳). در واقع تاریخ‌مندی متون در غرب، با دو پیش‌زمینه آن به پیشرفت خود ادامه داد. نخست، اندیشه‌های تاریخ‌گرا که از جیامباتیستا ویکو آغاز و با هگل و تاریخ‌گرایان قرن بیستم تکامل پیدا می‌کند. پیش‌زمینه دوم به دیدگاه‌های اندیشمندان علم هرمنوتیک که به شکل مدرن خود، در اندیشه‌های شلایر ماخر ظهور یافت و با ویلهلم دیلتای به اوج رسید. این فرآیند با هایدگر و گادامر دچار تغییر اساسی شد و از هرمنوتیک روشی و معرفتی به هرمنوتیک وجودی و فلسفی تغییر مسیر داد (نظری، ۱۳۹۵، ص ۱۳).

در نقد معاصر به نظر می‌رسد دین به‌عنوان سیاست از منظر دیگری نیز دیده می‌شود و وظیفه نقد سیاسی این خواهد بود که متون قرون وسطایی یا اوایل مدرن را از اوهام خود خارج سازد تا پیش‌های جزئی از زبان که قادر به بیان در زمان خودش نیست را تکمیل کند (آرس و بک‌ویس، ۲۰۰۳، ص ۲۱۱). اسکینر اعتقاد دارد متون پدیده‌هایی از نوع ارتباطی هستند، به گونه‌ای که هر عبارت یا متن، در حال کنش و واکنش با زمینه و متنی است که با آن ارتباط دارد. همان‌طور که اشاره شد از نظر اسکینر

در خوائش هر گزاره باید پرسشی را تشخیص داد که آن گزاره به عنوان پاسخی به آن می‌باشد. به طور کلی، در روش اسکینر نوعی رفت و برگشت مداوم میان متن و زمینه وجود دارد؛ یعنی به طور همزمان با توجه به متن و موضوعی که در متن در جریان است باید به شرایط و زمینه شکل‌گیری متن و همچنین مباحثاتی که در ارتباط با متن و زمینه آن (اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) موجود است، توجه نمود (اسکینر، ۱۳۹۳، ص ۲۰۶).

تولی (مفسر آرای اسکینر) معتقد است که اسکینر به دنبال بازشناسی متون تاریخی و فهم تفکر سیاسی مدرن اروپا در اوایل تاریخ رنسانس و نهضت اصلاح‌گری مذهبی می‌باشد. تولی بر این باور است که اسکینر نه فقط در پی تاریخ و روش است، بلکه از هر دوی آن‌ها به منظور روشن‌ساختن وضعیت کنونی استفاده می‌کند (Tully, 1983, p. 490). به طور کلی، در فرآیند تحلیل اسکینر پنج مرحله اصلی وجود دارد که باید به آن‌ها پاسخ داد. در واقع وی در هرمنوتیک خویش، پنج مرحله یا گام را برای فهم متون مختلف به کار می‌برد که در ادامه، به ترتیب به این مراحل اشاره خواهد شد.

۱- **زمینه ایدئولوژیک:** آنچه اسکینر در مرحله اول در پی آن است، این است که نویسنده با توجه به زمینه ایدئولوژیک، با چه هدفی دست به قلم برده است؟ به عنوان مثال، اسکینر در جلد اول کتاب «بنیادهای نظریه سیاسی» بر این مسأله تأکید می‌کند که ماکیاولی به منظور بررسی آزادی سیاسی، این مفهوم را از یونان باستان مورد بررسی قرار داده است (Skinner, 1978, p. 157). باید توجه داشت که زمینه سیاسی- اقتصادی ساختار دینی ایران پیش از صفویان و در طول فرمانروایی آنان، متکی بر نظریه سلطنت اسلامی بود که حاصل انطباق اصول شهریاری ایرانی با مضامین اسلامی از یک طرف و ساختار اقتصادی از نوع جوامع مبتنی بر اقتصاد کشاورزی از سوی دیگر بود. بررسی تحولات ساختار دینی بدون در نظر داشتن زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تقریباً ناممکن به نظر می‌رسد. درست است که پادشاهان مدعی بودند که به لطف پروردگار فرمان می‌رانند، سلطنت هنوز به طور کلی موهبتی الهی شمرده می‌شود و بعضی از سلاطین و فرمانروایان خود را سایه خدا می‌دانستند، اما فرمانروایانی که در عین حال اجرای وظایف و آیین‌های مذهبی را نیز بر عهده بگیرند، کم بودند. مذهب در این دوره یک معنای عام داشت که شامل همه مذاهب فراگیر و همچنین اقلیت‌های مذهبی می‌شد و در عین حال نهاد دینی رسمی، شیعه اثنی عشری بود. به نظر می‌آید در عصر صفوی بخشی از کنش‌های ساختار دینی در این زمینه بروز می‌کرد، به ویژه در کنش و واکنش به رفتار دینی به صورت بیان رسمی اهداف سیاسی دولت صفوی که یک نمود آن در برپایی نماز جمعه تجلی یافت (صفت گل، ۱۳۸۱، ص ۱۶).

در همین ارتباط، شاه طهماسب یکم به محض اینکه بر اریکه قدرت نشست و بر مناطق بیشتری تسلط پیدا کرد، فتحنامه صادر کرد و خود را بنده شاه ولایت نامید. سیاست مذهبی وی نیز همانند گذشته مبتنی بر احترام خاص به سادات و علمای دین بود. شاه طهماسب روش دیگری در پیش گرفت و علمای مخالف را از کشور بیرون راند و سپس متوجه علمای شیعه مذهب جبل عامل سوریه شد. وی برخی از آنان مانند شیخ حسین بن عبدالصمد حارثی (پدر شیخ بهایی)، زین العابدین عاملی معروف به شهید ثانی، خاندان حلی و برادران کرکی را به ایران فراخواند. از میان این افراد، معروف‌ترین فرد علی بن عبدالعال کرکی عاملی

است. وی نویسنده‌ای بزرگ، فقیه، نمونه محققان و بی‌نظیرترین زمان خود بود. نام کامل وی شیخ نورالدین ابوالحسن علی بن آل حسین بن عبدالعالی الکرکی است که گاهی شیخ العلامی نامیده می‌شود. ایشان در سال ۸۶۸ هجری قمری در کرک نوح متولد شد. شهر کرک از زمان فتح اسلامی به دلیل حضور برخی قبایل وفادار به حضرت علی (ع) با ارتش‌هایی که شام را فتح کرده و به بقاع وارد شدند مانند حمدانیان و خوزا، از سنگرهای شیعه بوده است (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۷).

ورود علمای جبل عامل به‌ویژه عبدالعالی کرکی به ایران، در سیاست مذهبی صفویه دگرگونی‌هایی ایجاد نمود. وی علمای مخالف خود مانند میرنعمت‌الله حلی را از صحنه سیاسی کشور دور ساخت و مقام معنوی و سیاسی خود را به حدی رساند که کلیه شئون مملکتی را در دست گرفت و حتی طهماسب یکم را نایب خود نامید و دست به نوآوری‌هایی در مذهب شیعه زد تا جایی که به وی لقب «مخترع مذهب شیعه» را دادند. رویه‌های مذهبی به‌ویژه در عهد طهماسب یکم، باعث اختلاف نظر در بین فقها شد (میراحمدی، ۱۳۶۹، ص ۵۵). از مهم‌ترین این اختلافات و تفاوت‌های فکری دامنه‌دار دوره صفوی در میان عالمان دین، اختلاف آنان در پذیرش یا رد نگرش صوفیان بود. از آنجایی که طبق هرمنوتیک اسکینر، تصوف از هنجارهای مرسوم قبل از تشیع در حکومت صفوی بوده است، تلاش‌هایی برای گذار از این هنجار به هنجار تشیع صورت می‌گرفت که این تلاش‌ها گاهی موجب اختلافاتی می‌شد. این اختلافات باعث به وجود آمدن ادبیات خاصی شد که در یک طرف آن، صوفیان و موافقان این روش و در سمت دیگر، علمای ضدصوفی بودند. این دو گروه، آثار بی‌شماری را در رد دیگری تألیف نموده‌اند (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۵۱۶).

تصوف در جامعه ایرانی به‌ویژه در قرن هشتم و نهم به‌صورت یک گرایش عمومی درآمد. خانقاه‌های فراوانی در گوشه و کنار ایجاد شد و مردمان زیادی از هر سویی برای دیدار شیخ و تجدید عهد با وی و نیز استفاده دینی و علمی و حتی تفریحی، راهی خانقاه‌ها می‌شدند. یکی از مهم‌ترین خانقاه‌های این دوره، اردبیل است که با شیخوخیت شیخ صفی‌الدین اردبیلی آغاز شد و به تشکیل دولت صفوی انجامید. بنابراین طبیعی بود که دولت صفوی بنای خود را بر پایه قدرت خانقاهی و نیروی اصلی آنچه قزلباش نامیده می‌شد، استوار کند. آنچه به‌راحتی می‌توان از رخدادهای مربوط به تشکیل دولت صفوی به‌دست آورد آن است که صفویه قدرت سیاسی خویش را با کمک قزلباشان و صوفیان به‌دست آورد و از آن زمان که به قدرت سیاسی دست یافت و تا ده‌ها سال بعد، تنها پایگاه مستحکم صفویه همین گروه بودند (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۵۱۷). در واقع تصوف قرن هفتم به مرور در میان شیعیان نفوذ کرده بود و تا پایان قرن نهم مذهب در ایران به شدت از تصوف تأثیر پذیرفته بود. شیخان سربرداری و بعد مرعشی، نمونه روشن از این جریان شیعی خانقاهی بودند، همان‌گونه که تفکر افرادی چون ابن میثم بحرانی و سیدحیدر آملی نشانگر تأثیرپذیری علمای شیعه از تصوف بود. میراثی که بخشی از آن از طرف سنی‌های ایرانی صوفی و طبعاً غیرمتعصب بود، به دوره صفوی منتقل شد. ابزار اصلی این انتقال، نظم و نثر فارسی بود که امکان دور کردن آن از این محیط وجود نداشت. این وضعیت زمینه لازم برای تدوین متون در جهت تضعیف هنجار موجود و تقویت شرایط به‌منظور ایجاد ایدئولوژی جدید را هموار می‌نمود.

۲- **کنش سیاسی و زمینه عملی:** اسکینر در این مرحله در تلاش است تا ارتباط کنش سیاسی موجود که به نوعی زمینه عملی نگارش متن است را دریابد و هدف نویسنده را با توجه به این ارتباط تبیین کند. برطبق روش هرمنوتیک وی، معنی متن چیزی است که به وسیله نویسنده با هدف خاصی قرار داده شده که خواننده هنگام خواندن متن باید آن معنی را کشف کند. طرفداران این رویکرد، آن را نیت‌مندی نویسنده می‌نامند (Burns, ۲۰۱۱, p. ۳۱۴).

لازم به ذکر است که نهاد دینی در دوره صفویه از سویی ریشه در ساختار کهن دینی ایران داشت و از طرف دیگر، محتوای آن طی فرمانروایی صفویان به گونه‌ای دیگر درآمد. از نظر تشکیلات، اهداف همانندی‌هایی با پیش از خود داشت، اما این همانندی‌ها نمی‌تواند دلیلی برای ادامه حیات ساختار قبلی در ساختار جدید باشد. ساختار رسمی این نهاد، دگرگونی‌های ویژه‌ای یافت که می‌توان آن را به‌عنوان انقلاب صفوی در ساختار دینی تعبیر کرد. همچنین این ساختار، حاصل تکاپو و تعامل گروه‌های مختلف دینی بود. بخشی از این گروه، عناصر مذهبی داخلی بودند که به‌طور سنتی ریشه در ساختار آموزشی داشتند. وجود طیف گسترده‌ای از سادات، علمای دینی شیعی و جماعت‌های شیعی شهرهای قدیمی شیعه‌نشین از جمله این موارد بود. بخشی دیگر، علمای مهاجر بودند که از جبل عامل به ایران مهاجرت کردند یا سال‌ها قبل از این رویداد در عتبات مقیم بودند. نقش علمای عتبات و بحرین و علمای مهاجر به‌ویژه کرکی و دیگر علمای مهاجر پس از او، اهمیت پیدا می‌کند. البته از سده یازدهم و دوازدهم از میزان اهمیت این گروه‌ها کاسته شد و رفته‌رفته نسل جدید علمای شیعی که ایرانی و فارسی‌زبان بودند، عناصر اصلی نهاد دینی ایران شدند (صفت‌گل، ۱۳۸۱، ص ۱۹).

همان‌طور که اشاره شد نگرش اصلی در دوران یکم فرمانروایی صفویان این بود که ساخت دینی در حالت تأسیسی به‌سر می‌برد، درحالی‌که در سال‌های پایانی فرمانروایی صفویان نهاد دینی، ساختی تثبیتی به خود گرفته بود و تأکید اصلی نهاد بر ادامه هویت دینی بود. از این‌رو، تلاش اصلی و کارکرد مهم آن به‌صورت برتری فرقه ناجیه بر سایر باورها متمایل شد. با توجه به تلاش‌های دولت صفویه، یک ساختار نیرومند دینی شکل گرفت که برای ادامه فعالیت‌های خود به پشتیبانی ساختار سیاسی نیاز داشت. به همین دلیل مسائلی همچون مشروعیت یا عدم مشروعیت ساختار سیاسی و یا حلال و حرام فقهی براساس موازین اثنی‌عشری معین و مشخص می‌شد. آنچه در سال‌های اولیه فرمانروایی صفویان در زمینه نگاه به ساختار سیاسی مطرح می‌شد و سطح بالای نگرش دینی در آن قابل مشاهده بود، در سال‌های پایانی فرمانروایی صفویان این سطح فراگیرتر شده بود و گروهی از توده‌ها که راجع به برنامه صفوی‌گری دولت صفوی با مضامین شیوه جدید دینی خو گرفته بودند، را نیز در بر می‌گرفت. به عبارت دیگر، مسأله مشروعیت و عدم مشروعیت ساختار سیاسی در انحصار دیدگاه‌های اعضای رده‌بالای ساختار دینی نبود، بلکه توده مؤمنین را نیز که به غیبت، شفاعت، عدل و امامت باور داشتند، در بر می‌گرفت (صفت‌گل، ۱۳۸۱، ص ۴۹۵). چنین به نظر می‌آید که یکی از عمده‌ترین کارکردهای ساختار دینی در این دوران، مشروعیت‌بخشی به همین ساختار دینی از دیدگاه نظریه‌پردازان فقهی و دینی بود که از سوی اعضای رده‌بالای ساختار دینی جلوه‌گر شد که نمونه آن، استدلال‌های محقق کرکی در برابر مخالفت‌های شیخ ابراهیم قطفی بود. البته هرچه بر عمر دولت صفوی افزوده می‌شد ساختار دینی مرتبط با آن نیز در جهت همکاری

نزدیک‌تر با آن پیش می‌رفت (صفت‌گل، ۱۳۸۱، ص ۴۶۹). از جمله استدلال‌های محقق کرکی در ارتباط با نقش فقها در بحث دریافت و تقسیم زکات و فتوا دادن، در ذیل آمده است: «فقها حق دارند در میان افراد، با امنیت از طرف ستمگران حکومت کنند و زکات و پنجم را تقسیم کنند و به شرط جمع‌آوری صفات مفتی که عبارتند از ایمان، عدالت و علم به احکام، فتوا دهند. با شواهد و توانایی استخراج نوآوری از شاخه‌ها از ریشه آن‌ها. دانستن احکام فاقد آگاهی از آیات مربوط به قانون است که حدود پانصد آیه است و آنچه مربوط به احکام احادیث، علم راویان و سخنان فقهاست تا از اجماع، علم به انحراف نباشد. اصول فقه و گفتار، شواهد و آنچه مربوط به اخبار دستورزبان و خود زبان است. لازم نیست آیات و روایات را به خاطر بسپارید، بلکه توانایی او در مراجعه به آن‌ها از منابع آن‌ها و روی آوردن به مبدأ تصحیح شده و نقل آن‌ها از عدالت با زنجیره انتقال مربوطه و نیز به یک امام است» (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۹۰).

محقق کرکی در دو رساله «نماز جمعه» و «خراجیه» به بیان آرای سیاسی خود پرداخته است. رساله خراجیه کرکی از منظر فقهی، دولت صفوی را حکومت جائری می‌داند که همکاری با آن رواست. به همین دلیل موقعیت خود را نسبت به آن شبیه موقعیت سیدمرتضی و برادرش سیدرضی در ارتباط با دولت‌های جائر زمان خودشان دانسته و نقش خود را در ارتباط با این دولت به مانند رفتار علامه حلی در دربار سلطان محمد خدابنده قلمداد می‌کند. همچنین مسأله اصلی رساله خراجیه محقق کرکی، بحث از حلال بودن اخذ خراج و بهره‌مندی از آن توسط شیعیان در عصر غیبت با وجود سلاطین جور است و معتقد است این مطلب هم در احادیث و هم در فتاوا و هم در سیره عملی شواهدی دارد و قابل اثبات است. بنابراین مدارک مهم و اساسی رساله درباره حکم خراج در زمان حضور و غیبت امام است، اینجاست که از حوزه اختیارات فقیه در عصر غیبت نیز سخن به میان می‌آید و به نوعی بحث خراج با بحث ولایت فقیه مرتبط می‌شود.

محقق کرکی در این رساله به تعریف چهارگانه زمین از زمین‌هایی که در فتوحات به دست می‌آید، پرداخته است و به حلال بودن مصرف آن‌ها از طرف امام اشاره می‌کند. به عنوان مثال درباره اراضی انفال، وی پس از بیان آیه قرآن و چند حدیث درباره اراضی انفالی که در دست شیعه است، می‌فرماید: «هر آنچه در اختیارش است برای آن حلال است، چراکه ائمه (ع) در عصر غیبت، آن‌ها را برای شیعیان خود حلال نمودند، البته برای سنی‌ها حلال نیست». از نظر وی، این قبیل پول‌ها عصر غیبت و حضور نمی‌شناسد، حق خراج برای امام همیشه باقی است همچنان که مستحق همیشه وجود دارد (کرکی، ۱۴۱۳ق، ص ۶۰).

**۳- تکوین یا تغییر ایدئولوژی‌ها:** دغدغه اسکینر در مرحله سوم، شناسایی ایدئولوژی‌ها و تبیین مسیر تکوین، تثبیت و توسعه آن‌ها می‌باشد. اسکینر بر این باور است که بسیاری از متون به منظور حمایت از عقاید خاصی به رشته تحریر درمی‌آیند (Giannakopoulos & Quijano, ۲۰۱۲ p. ۶-۱۸). به همین دلیل وی معتقد است هنگامی می‌توان معنای درست متون تاریخی را فهم کرد که به زمینه‌های نگارش این متون توجه نمود (Skinner, ۲۰۱۲, p. ۱۰۱). البته اسکینر بر این نکته تأکید دارد که یک متن باید دارای پتانسیل خوبی برای فهم اثر در میان خوانندگان خود باشد تا بتواند کنش اجتماعی را در پی داشته باشد (Skinner, ۱۹۷۲, p. ۴۰۶).

به نظر می‌رسد علما و فقهای شیعه در تمام این دوره‌ها و مراحل در برابر مسأله حکومت و رهبری دو کنش متفاوت در دو قلمرو جدا از یکدیگر از خودشان نشان دادند: یکی قلمرو نظری و دیگری قلمرو عملی. در قلمرو نظری، اصل بر عدم مشروعیت حکومت‌ها تا تأکید بر اصل وجوب امام معصوم و منصوب از جانب خدا و اصالت و حقانیت نظام امامت در مقابل سایر نظام‌های دیگر از قبیل نظام خلافت یا سلطنت بود. در حالی که قلمرو عملی در جهت حفظ مذهب و جامعه شیعه به کوشش‌های فقهی و کلامی برای تبیین و تفسیر مکتب و به اقتضای شرایط، نزدیک شدن به حکومت‌ها و تأثیرگذاری بر آنان مبادرت ورزید. در واقع در عصر آل‌بویه که شیعه توانست به‌طور علنی به انتشار عقاید خود فارغ از خطرات دست یازد، علمای شیعی با تألیف آثار خود منابع و متون اولیه کلام، فقه و فرهنگ شیعی را ایجاد کردند. به جز کتاب «کافی» از کلینی، سه کتاب دیگر از کتب اربعه شیعه یعنی «من لایحضر الفقیه» شیخ صدوق، «تهذیب» و «استبصار» شیخ طوسی محصول همین دوره می‌باشند. کوفه و قم در این زمان دو مرکز مهم حدیث و فقه شیعه بودند که بغداد محل طلاق آن‌ها، بزرگانی چون شیخ مفید، سیدمرتضی و شیخ طوسی را در خود جای داده بود (آقاجری، ۱۳۸۸، ص ۲۴). البته فقه شیعه تا مدت‌ها به دلیل تلقی خاصی که از مسأله غیبت و امامت و ارتباط آن با بحث حکومت داشت، به پرداختن به این مسأله احساس نیاز نمی‌کرد. از مهم‌ترین دلایل رکود اندیشه سیاسی تشیع در این مورد، این نظر بود که عصمت شرط بوده و قیام در زمان غیبت و پیش از ظهور امام زمان (عج)، برافراشتن پرچم ضلالت تلقی می‌شد. حتی در ابتدای دوره صفویه و با وجود همکاری تعداد زیادی از فقها و علما با این حکومت، همواره علمایی بوده‌اند که نسبت به حکومت و ارتباط آن با علما، موضع انتقادی و مخالف داشتند؛ فقهای همچون ابراهیم قطیفی، مقدس اردبیلی و شهید ثانی از آن جمله‌اند (نوروزی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۵). تا اینکه کسانی چون محقق کرکی این ساختار و نگاه را با نگارش متون مختلف دگرگون ساختند. برای نمونه، محقق کرکی در کتاب «جامع المقاصد» که تقریباً همه آثار وی در آن گرد آمده است، در ارتباط با جایگاه دولت، نقش قوانین اجتماعی اسلام و جایگاه پیامبر (ص) در تبیین احکام و آیات مذکور، می‌نویسد: «همان‌طور که می‌دانیم دولت برای تنظیم امور اقتصادی و سیاسی جامعه به قوانینی احتیاج دارد. قرآن کریم نازل شده است که نشان‌دهنده راه درست یک فرد در این زندگی است و اما آیات قرآنی که بر بزرگ‌ترین پیام‌رسان (ص) در مدینه نازل شده است، تقریباً یک سوم قرآن است که احکام و قوانین شرعی را شرح می‌دهد، مانند موارد فروش، رهن، اجاره، حقوق و محدودیت‌ها، علاوه بر احکام بردگان مانند حج، زکات، جهاد و غیره. این آیات در مدینه نازل شد که بعداً به منبع اصلی فقهای مسلمان در تدوین احکام مورد نیاز جامعه اسلامی مبنی بر تنظیم زندگی مسلمانان و تضمین سعادت دو جهان، تبدیل شد و پیامبر (ص) این احکام را برای مردم شرح می‌دهد» (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۸).

وی همچنین در توضیح فرآیند پس از رحلت پیامبر (ص)، به تلاش‌های ائمه (ع) اشاره نموده و می‌نویسد: «پیامبر (ص) در حال توضیح این احکام برای مردم بود. پس از پیامبر (ص)، ائمه معصومین از خانواده وی همچنان در توضیح احکام قانونی جای خود را حفظ کردند. امیرالمؤمنین (ع) کتاب را نوشت و آن را از دستور رسول خدا (ص) و خط علی (ع) و در پوست انسان به طول هفتاد ذراع است و محتوای آن در احادیث ائمه (ع) به کرات گزارش شده است. سلمان (رضی الله عنه) سابقه‌ای از حدیث



پیامبر (ص) داشت. این نقش، نقش تشریح بود که اولین بار در فقه شیعه بود و تا سال ۲۶۰ هجری قمری ادامه یافت» (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۸).

محقق کرکی با مقدمه‌چینی خاصی به سراغ شرایط عصر غیبت رفته و سعی دارد نقش علم فقه، جایگاه فقها در این زمان و دلایل به تأخیر انداختن علم فقه را توضیح دهد: «این سهل‌انگاری در مطالعه فقه و کنار گذاشتن منابع اصلی آن و پذیرفتن کتاب‌هایی که سری داستان‌هایشان قطع شده بود، یکی از عواملی بود که علم فقه را به تأخیر انداخت. این سهل‌انگاری درهای وسیعی از شر را باز کرد تا اینکه التلمسنی و المقری (حقوق‌دانان مالکی) را وادار کردند که بگویند تعداد زیادی از تألیفات، فقه را فاسد کرد، زیرا رمان کنار گذاشته شده بود و زنجیره ارتباطات قطع شده بود. بنابراین بسیاری از تألیفات وجود داشت و احکام از کتاب‌هایی نقل شده است که در آن‌ها معلوم نبود چه چیزهایی اضافه شده یا چه کمبودهایی وجود دارد» (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶).

به هر حال، تلاش‌های محقق کرکی و شاگردان وی از یک‌سو و دلایل سیاسی و اعتقادی از سوی دیگر، باعث شد به تدریج از عناصر ایرانی یا به اصطلاح تاریخی (تاجیکان) برای کارهای اداری و از فقها و علمای شیعه امامیه برای اداره امور دینی جامعه کمک گرفته شود و آن‌ها را در قدرت سیاسی سهیم نمودند. نتیجه هر دو مسأله کاهش نفوذ قزلباشان بود، اما طبیعی بود که خطر فقها برای صوفیان بیشتر از خطر تاجیکان بود. حضور فقهای بزرگ همچون محقق کرکی و به دست آوردن مقام دینی سیاسی مهم شیخ‌الاسلامی توسط آنان، سبب شد تا جبهه فقاقت در برابر تصوف موضع استواری به دست آورد و شکل رسمی به خود بگیرد. در مقدمه جلد اول کتاب «جامع المقاصد» آمده است: «فقه محقق کرکی در قرن دهم هجری قمری به دلیل قدرت استدلال، بناهای علمی و استنباط‌های وی در فقه، فقه غالب در محافل شیعه بود. وی قبلاً نظرات اولی را با دوام مورد بحث قرار می‌داد، خصوصاً پس از ذکر نظرات، شواهد و اثبات آن‌ها و سپس آن‌ها را به روش محکم و دقیق‌تری رد می‌کرد. گرچه روش استنباط قبل از زمان او چندان قوی نبود» (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۴). به همین دلیل علامه مجلسی معتقد است که آوردن محقق کرکی، در ردیف اقدامات صوفی‌زدایی شاه اسماعیل است. اگرچه هدف شاه اسماعیل یا شاه طهماسب از آوردن عالمان شیعه این امر بوده یا خیر، اما در عمل این نتیجه حاصل شد (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۱۰۴).

۴- ارتباط ایدئولوژی و کنش سیاسی: اسکینر در مرحله چهارم در پی فهم ارتباط ایدئولوژی سیاسی و کنش سیاسی می‌باشد که باعث گسترش هنجار جدید شده است و کوشش می‌کند تا تأثیر این ایدئولوژی بر رفتار سیاسی را توضیح دهد. مبنای بحث اسکینر در این مرحله، این است که هر واژگان سیاسی حاوی شماری از اصطلاحات خواهد بود که به صورت بین‌الذهانی تجویزی می‌باشند. پوکاک (از متقدمان اسکینر در مکتب کمبریج) معتقد است قبلاً رویکردهای مطالعه تاریخ مبتنی بر شخصیت‌های مهم تاریخی بوده است که اقدامات آن‌ها، واژه‌ها و زبان آن‌ها را در زمینه اجتماعی که زندگی می‌کردند، مورد بررسی قرار می‌داد (Pocock, ۱۹۸۷, p. ۱). اسکینر متأثر از پوکاک، بر این باور است به جای اینکه به تاریخ نظریه سیاسی از

دیدگاه مطالعه متون معیار بیندیشیم، آن را به چشم تحقیقی گسترده‌تر درباره تغییر زبان‌های سیاسی‌ای بنگریم که جوامع برای سخن گفتن با خود به کار می‌گیرند (Pocock, ۱۹۸۵, p. ۲۵).

اسکینر معتقد است کنشگر پروژه‌های دارد که می‌خواهد مشروع سازد، بنابراین اصولی را پیشنهاد می‌کند تا بهتر بتواند اصول خودش را توضیح دهد. واژگان بهنجاری وجود دارد که هر جامعه‌ای برای توصیف و ارزیابی حیات سیاسی‌اش به کار می‌گیرد. اگر قرار بود اساس تاریخ نظریه سیاسی به‌عنوان تاریخ ایدئولوژی‌ها نوشته شود، یک محصول آن می‌توانست این باشد که تصویر روشن‌تری از پیوندهای بین نظریه و عمل سیاسی ارائه دهد. برای توضیح اینکه چرا یک کنشگر رفتار خاصی را انجام می‌دهد، باید به واژگان او توجه کرد، زیرا آشکارا به‌صورت یکی از عوامل تعیین‌کننده کنش وی درمی‌آید که به‌نوبه خود نشان می‌دهد که اگر می‌خواستیم تاریخ خود را بر مطالعه این واژگان متوقف کنیم، می‌توانستیم دقیقاً نشان دهیم چگونه توضیح رفتار سیاسی، مبتنی بر مطالعه تفکر سیاسی است. به هر حال، مطالعه زمینه هر اثر بزرگ در فلسفه سیاسی صرفاً کسب اطلاعات بیشتر درباره سبب‌شناسی آن نیست، بلکه برای این است که به نحوه کسب بصیرتی در معنا و مقصود مؤلف دست پیدا کنیم. برای دریافتن جهت دقیق نیروی استدلال متن، لازم است درک و برآوردی کلی از واژگان سیاسی زمانه داشته باشیم (Skinner, ۱۹۷۸, p. ۱۸).

اسکینر در این مرحله درصدد است تا رفتار سیاسی موجود را با توجه به ایدئولوژی جدید تبیین کند. همان‌طور که ذکر شد محقق کرکی یا ثانی، نخستین فقیه برجسته عصر اول صفوی است که همکاری با این دولت را پذیرفته و منصب شیخ‌الاسلامی این حکومت را به‌دست آورد. وی کتب و رساله‌های متعددی را در راستای تغییر، تکوین و تثبیت هنجار جدید به رشته تحریر درآورده است. به‌عنوان نمونه رساله «نماز جمعه» وی، رساله‌ای است که مؤلف در آن اندیشه سیاسی شیعه درباره ولایت فقیه را مطرح و مورد بررسی قرار داده است. محقق کرکی رساله خود را در سال ۹۲۱ در زمان شاه اسماعیل تألیف کرد که در آن زمان هنوز موقعیت چندان مهمی در حکومت نداشت. وی در این رساله درصدد است اثبات نماید که نیابت فقیه عادل امامیه در امور شرعی برای حاکم منصوب از طرف امام (ع) ثابت می‌باشد. وی مستند خود را همان مقبوله عمر بن حنظله قرار داده است. محقق کرکی در مقدمه سوم بیان می‌کند که نماز جمعه مشروط به وجود امام معصوم و یا نایب اوست و مستند اصلی وی، عمل پیامبر (ص) در تعیین امام جمعه همانند تعیین قاضی است که به‌عنوان سیره مستمر در تمام دوران‌ها مورد عمل مسلمانان قرار گرفته است. محقق در پایان رساله خود، در عمل به وعده‌هایی که برای تعیین شرایط فقیه در ضمن بحث از معنای فقیه جامع‌الشرایط داده بود، ۱۳ شرط را برای چنین فقهی برشمرده است تا مردم معنای سبکی از آن برداشت نکرده و ارزش و مرتبه واقعی کلمه را دریابند (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۹۷). وی درباره مواردی که پیشینیان به آن‌ها اهمیت چندانی نداده‌اند (مانند محدودیت‌های انتخاب فقیه، نماز جمعه، خراج و اشتراک)، به دلیل نیاز دولت شیعه حاکم در ایران در آن دوره زمانی و گرفتاری مردم با این مسائل، بحث کرده است (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۴).

جدا از بحث فقها، محقق کرکی به روش عملی عالمان شیعه در برخورد با سلاطین جور نیز استناد کرده که به لحاظ فقهی، روشی تازه و قابل توجه است. وی به مطالبی که در خلال تحصیل درباره علمای گذشته نقل شده، اشاره نموده و از آن جمله

درباره سیدمرتضی آورده که سید با آن جلالت قدر و مرتبت در علوم که علما در رسیدن به آن نفسشان بریده شده و همه متأخران به او اقتدا نمودند، در برخی از دولت‌های جائز موقعیت و ثروت شگفتی داشته و مالک هفتاد قریه بوده است. همین‌طور برادرش سیدرضی ولایات زیادی را در اختیار داشته و شنیده نشده است که کسی به او اعتراض کند یا انجام حرام و مکروه به وی نسبت دهد. اگر حال همه گذشتگان مخفی باشد، حال خواجه نصیرالدین طوسی که متولی املاک سلطان زمان بود بر کسی پنهان نیست. در همین دوره، علامه حلی نیز از ملازمان سلطان محمد خدابنده بوده و صاحب چندین قریه بود که از طرف سلطان به وی واگذار شده بود (کرکی، ۱۳۴۱ق، ص ۸۴). با توجه به این مرحله هرمنوتیک اسکینر، باید به واژگان هنجارینی که در دوره صفویه و زمینه سیاسی شکل‌گیری اندیشه محقق کرکی مهم بوده‌اند، اشاره نمود. واژگانی چون فقها، قوانین اسلام، جهاد، نایب امام زمان (عج)، صدر، شیخ‌الاسلام، ملاباشی، شیعه دوازده امامی، قضاوت، فتوا دادن، حکومت جائز، تصوف و صوفی‌گری از مهم‌ترین واژگان تجویزی در میان متون دوره مذکور می‌باشد.

**۵- نقش اندیشه‌ها و کنش‌های سیاسی در ترویج هنجار مرسوم:** در مرحله پنجم، اسکینر در پی توضیح این نکته است که نقش اندیشه‌ها را در ترویج هنجار جدید نشان دهد. اسکینر معتقد است یکی از راه‌های بهبود بخشیدن به درک‌مان این است که به آن نقطه عطف تاریخی برگردیم که در آنجا این شیوه تفکر درباره سیاست برای نخستین بار رشد نمود، آنگاه قادر خواهیم بود بفهمیم مفاهیمی که هنوز به آن‌ها استناد می‌کنیم، در آغاز چگونه تعریف شدند؟ به دنبال برآوردن چه مقاصدی بودند و برای تقویت کدام نگاه به قدرت عمومی، مورد استفاده قرار گرفتند؟ (Sebastián & Skinner, ۲۰۰۷, p. ۱۱۰).

در ادامه فرآیند نهادینه کردن لیدئولوژی جدید و همچنین با توجه به مرحله پنجم اسکینر، ابزارهای ترویج افکار، مورد توجه حاکمان و فقهای دوره صفویه قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، ساختار فرهنگی و آموزشی دوره صفویه در راستای تقویت مذهب شیعه دوازده امامی سازماندهی می‌شود. به‌طور کلی، دولت صفوی دارای کارکرد دینی-مذهبی زیادی بوده است که علاوه بر حمایت از قوانین شریعت و برقراری مناسبات نزدیک با عالمان دین، ترویج آیین‌ها و شعائر مذهبی را نیز بخش دیگری از وظایف خود قلمداد می‌کرد (اشراقی، ۱۳۹۳، ص ۲۶۱). در همین ارتباط عبارات، اذکار، اوراد، اصطلاحات و حجم زیادی از لغت‌های دینی و مذهبی به‌ویژه الفاظ و عبارات قرآنی در زبان مردم ایران به‌عنوان مؤلفه‌های بنیادین، قلیل مطالعه هستند. این عبارات و الفاظ همه حوزه‌های عمومی و خصوصی فعالیت‌های روزانه مردم ایران در دوره صفوی-قاجاری را پوشش می‌دادند. نظام‌های آموزش عمومی چه در مدارس برای طلاب و چه در مکتب‌خانه‌ها برای کودکان، بیشتر بر آموزش قرآن و متون دینی استوار بود و مردم بی‌سواد نیز به علت زندگی عبادی خویش، با تعداد زیادی از اجزای زبانی دین‌آورد و دین‌پرورد درگیر بودند. اقداماتی مانند ترویج سنت تبرّی، مراسم سوگواری امامان شیعه، برگزاری شکوهمندانه اعیاد مذهبی همانند عید قربان، غدیر و فطر، مولودی حضرات ائمه (ع)، تعبیر مذهبی از اعیاد باستانی نوروز، مسجد و مسجدسازی، گسترش موقوفات و فراهم نمودن بستر مناسب جهت فعالیت‌های علمای دینی را می‌توان از مهم‌ترین تلاش‌های صفویان در جهت ارائه هویتی دیندارانه و همچنین تحکیم هویت سیاسی جدید تلقی کرد. در همین ارتباط، تأسیس مدارس در این دوره صرف‌نظر از انگیزه‌های دیگر، در جهت

تقویت و گسترش آموزه‌های شیعه است، به طوری که در وقف‌نامه‌های این مدارس توجه به مظاهر فرهنگی تشیع مانند برگزاری آیین سوگواری و روضه‌خوانی در ایام شهادت امام حسین (ع)، شهادت حضرت علی (ع) و دیگر مناسبات مذهبی، از شروط اساسی واقفان مدارس بود. همچنین مواد درسی و متون انتخاب شده مذهبی مانند فقه و حدیث، با مذهب رسمی هماهنگی داشتند (بخشی استاد، ۱۳۹۳، ص ۲۰۴). در همین ارتباط، شاهد توجه خاص به احادیث شیعه و به خصوص کتب اربعه هستیم، این توجه با گسترش اخبارگیری در نیمه دوم حکومت صفویه بیشتر و بیشتر شد، تا آنجا که تدریس یکی از کتب اربعه از شرایط پذیرش مدرس در مدارس گردید و در نتیجه، شروح و حواشی فراوانی بر کتاب‌های حدیثی نگاشته شد (بخشی استاد، ۱۳۹۱، ص ۱۰۶). رسم خطبه‌خوانی به نام ائمه (ع) و شاه توسط علما و روحانیون، سیاست و مذهب را به هم پیوند می‌داد. حضور همه‌جانبه علما در مراسم تاجگذاری، جنگ‌ها، جشن‌ها، قضاوت و حضور فعال در تمامی ارکان تشکیلات اداری و حتی لشکری، از جلوه‌های این پیوند است. به عنوان مثال، هنگام فتح قلعه ایروان توسط شاه صفی در سال ۱۰۴۵، سادات و علما در مسجد جامع ایروان گردآمده و به شکرگزاری می‌پردازند (آقاجری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۱۳). در همین ارتباط، رویکردی که محقق کرکی بنیان گذاشت توسط سایر فقها و شاگردان وی نیز دنبال شد، به طوری که اکثر فقها تحت تأثیر مکتب علمی وی و استنباط‌های شدید وی بودند. مهم‌ترین این فقها، حسین بن عبدالصمد العاملی (۹۸۴) نویسنده کتاب «العقد الطهماسبی»، الکرکی متوفی (۹۹۳) نویسنده «شرح الارشاد»، بهالدین محمد بن حسین العاملی (۱۰۳۱)، میرداماد استرپادی (۱۰۴۰)، سلطان العلماء المرعشی (۱۰۶۴)، آقا حسین الخوانساری (۱۰۹۸) نویسنده «مشارق الشموس» و همچنین احمد بن محمد اردبیلی (۹۹۳) نویسنده کتاب «مجمع الفوائد و البرهان» بودند (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۴). این فرآیند با کارهای افراد دیگری مانند الحسن بن زین‌الدین العاملی ابن‌الشهید دوم (۱۰۱۱) نویسنده کتاب «نقاط عطف دین» و «منتهد الجومان»، محمدباقر بن محمد مؤمن السبزواری (۱۰۹۰) نویسنده کتاب «اجرای احکام» و «تخیرا المد» و محقق ملا محسن الفیض کاشانی (۱۰۹۱) نویسنده کتاب «الوافی» و «مفاتیح الشرایع» ادامه یافت (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۵).

با رسمی شدن مذهب شیعه توسط حکومت صفوی، ضرورت فارسی کردن متون مذهبی شیعه در رأس اقدامات فرهنگی حکومت جدید قرار گرفت، این سیاست از زمان آغاز برپایی دولت صفویه آغاز شد علی‌رغم آنکه زبان ترکی، زبان رسمی دربار صفوی بود. این حرکت را می‌بایست یکی از عاقلانه‌ترین اقدامات آن‌ها در ترویج مذهب شیعه در میان توده‌های فارسی زبان ایران به حساب آورد. دستیابی به چنین هدفی بود که علاوه بر نگارش صدها و بلکه هزاران اثر جدید به فارسی، شاهد ترجمه بسیاری از متون دینی و شاید همه متون دینی می‌باشیم که در آن زمان در دوائر شیعی رایج بوده است. یکی از کسانی که به فارسی‌نویسی این دوره توجه نموده است، براون می‌باشد. وی در این باره می‌نویسد: دستاوردهای بزرگ حکمای شیعه اواخر دوران صفویه مانند ملا محمدتقی و محمدباقر مجلسی، همان ترویج آیین تشیع و تعمیم اخبار و احادیث در زبان رایج مردم است. آن‌ها می‌دانستند که برای به‌دست آوردن مردم، باید از زبان مردم استفاده کرد و ساده‌نویسی نمود (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۰۹۹).

بنابراین شاهان صفوی سیاست فرهنگی ویژه‌ای را در این زمینه داشتند و به‌طور رسمی از علما می‌خواستند تا به ترجمه آثار شیعه بپردازند. البته باید توجه داشت که علما نقش خط‌دهی فرهنگی را عهده‌دار بودند، اما ترویج آیین تشیع سبب شد تا در حکومت جدید خط ترجمه در کنار تألیف به‌طور جدی دنبال شود. اگر از شاه اسماعیل اول که دوره تأسیس دولت صفوی است بگذریم، در دوره شاه طهماسب اول که در آن تثبیت حکومت است این حرکت دقیقاً با هدف ترویج تشیع در میان سنی‌های ایران دنبال می‌شود. این نکته از مقدمه‌ای که برای دومین تجربه «کشف الغمه» در این دوره نوشته شده، به‌دست می‌آید و پس از آن تقویت مذهب شیعه و گرایش به توده‌ای کردن فرهنگ تشیع توسط سلاطین صفوی و علمایی که در این دوره زندگی می‌کردند، نیز دنبال می‌شود. برای مثال، شاه عباس بعد از ورودش به قزوین مؤلف کتاب «جامع علوم معقول و منقول» مولانا خلیل‌الله قزوینی را که از علمای عصر و دانشمندان دهر بود، خواست و به او گفت تا کتاب کلینی را که اساس و بنیان و بیت دین مصطفوی بدان آبادان است، به فارسی شرح نماید (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۰۴۴).

پس از بررسی آثار ترجمه شده می‌توان فهمید که جهت‌گیری و هدف اصلی ترجمه متون مذهبی، نشر هنجار جدید بوده است. در این زمینه آثاری درباره عقاید اسلامی به سبک تشیع و به‌طور خاص آثاری در زمینه امامت و فضایل و مناقب اهل بیت (ع) بوده است. این اصل نه‌تنها در ترجمه، بلکه در نگارش‌های دوره صفویه نیز مورد توجه بوده است. برای نمونه، محمد بن اسحاق حموی ابهری از شاگردان محقق کرکی کتاب «انیس المؤمنین» را در شرح حال دوازده امام نگاهشت که محقق کرکی در سال ۹۳۹ بر آن تقریظی نوشت. حموی ابهری همچنین کتاب «منهج الفاضلین فی المعرفة الاثمه الکاملین» را در بیان اعتقادات شیعه به‌ویژه بحث امامت نگاهشت و هر دو کتاب خود را مستدل به نام شاه طهماسب صفوی کرد (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۱۰۴). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت نقش محقق کرکی، نقشی است که در آن فقه شیعه به درجه بالایی از دقت و کنترل و احکام بنیادها، شاخه‌های شاخه و کیفیت رسیده است (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۵).

### نتیجه‌گیری

حکومت صفویه از لحاظ وسعت سرزمینی، یکپارچگی و جایگاه تشیع در آن از حکومت‌های خاص پس از اسلام به حساب می‌آید. این حکومت با داشتن زمینه مذهبی صوفیانه، پس از گسترش قدرت خود در سراسر کشور، متوجه جایگاه شرع در مشروعیت خود شد. مذهبی که خیلی زود بخش مهمی از ساختار حکومت صفوی را تشکیل داد و موجبات استمرار آن را فراهم نمود و در واقع حکومت صفویه با انتخاب مذهب تشیع توانست بحران مشروعیتش را در برابر خلافت عثمانی حل کند، مردم را یکپارچه سازد و از هرج و مرج مذهبی میان صوفیان و اهل تسنن جلوگیری کند. همچنین با تشکیل دولت مستقل، یکپارچه و تمام‌عیار شیعه و حضور فعال علما و فقهای شیعی در آن، موجب ظهور مسائل جدیدی شد که علمای اسلام باید به آن‌ها پاسخ می‌دادند. بنابراین در نتیجه تلاش‌های صوفیان، ساختار دینی همراه با ساختار سیاسی شکل گرفت. حضور علمی مهاجر شیعی به‌ویژه محقق کرکی با نگارش متون فقهی و دینی از یک‌سو و تربیت شاگردان بسیار از سوی دیگر، توانست مسیر گذار به هنجار جدید را مهیا و شرایط را برای گسترش آن فراهم آورد. برای پی‌بردن به تغییرات ساختاری در این دوره و

متناسب با آن دگرگونی‌هایی که در عرصه تغییر تفسیر متون دینی مورد توجه قرار گرفت، باید به هرمنوتیک رجوع کرد. بر طبق متدولوژی اسکینر، برای فهم اندیشه‌های سیاسی یک اندیشمند، هم باید گفتمان سیاسی مسلط بر جامعه و زمانه وی را شناخت و هم باید قصد و نیت آن اندیشمند برای برقراری ارتباط در چنین گفتمانی را دریافت. بدین ترتیب، در دوره صفویه ما شاهد تکوین و تغییر ایدئولوژی یا هنجار مرسوم هستیم. بنابراین هنگامی که ما به متون دینی دوره صفوی ورود می‌کنیم با واژگان جدیدی برخورد می‌کنیم که از تغییر ایدئولوژی حکایت دارند. در واقع حکومت صفوی با روش‌های مختلف و سیاست‌های گوناگون و با تدبیر فقهای شیعه، تلاش کرد تا هنجار مرسوم زملنه را تغییر دهد. بنابراین، فقها با تلاش‌های فراوان در کنار حکومت صفوی توانستند فقه شیعه را از بدعت‌های زمانه مانند مسلک صوفیانه، تفکر رهبران مذهبی عثمانی و... حفظ کنند و زمینه حضور پررنگ مردم و علمای شیعه در مسائل مختلف کشور را فراهم نمایند.

## منابع

- آقاجری، سید هاشم (۱۳۸۸). *مناسبات دین و دولت در عصر صفوی*. تهران: طرح نو.
- اسکینر، کویتن (۱۳۹۳). *بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن. رنسانس*. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگاه، ج ۱.
- اشراقی، احسان؛ علوی، نصرت خاتون (۱۳۹۳). *وحدت مذهبی ایرانیان در دوره صفوی*. *شیعه‌شناسی*، سال ۱۲، شماره ۴۷، ص ۲۵۲ - ۲۸۹.
- بخشی استاد، موسی الرضا؛ بادکوبه، احمد؛ بیات، علی (۱۳۹۱). *علم حدیث و تأثیر جریان‌های فکری در عصر صفویه بر آموزش آن در مدارس*. *شیعه‌شناسی*، سال ۱۰، شماره ۴۰.
- بخشی استاد، موسی الرضا؛ رضایی، رمضان (۱۳۹۳). *نقش مدارس عصر صفویه در گسترش تشیع دوازده امامی*. *ادیان و عرفان*، سال ۴۷، شماره ۲، ص ۱۹۷-۲۱۶.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۹). *دین، فرهنگ و سیاست در عرصه صفویه*. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ج ۲-۳.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۸). *سیاست و فرهنگ روزگار صفوی*. تهران: علم، ج ۱.
- صفت گل، منصور (۱۳۸۱). *ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی (تاریخ تحولات دینی ایران در سده‌های دهم تا دوازدهم قمری)*. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- کرکی (۱۴۱۳ق). *قاطعه اللجاج فی تحقیق حل الخراج*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- کرکی (۱۴۱۴ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. تحقیق مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ج ۱، ۳.
- میراحمدی، مریم (۱۳۶۹). *دین و دولت در عصر صفوی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نظری، محمدعلی (۱۳۹۵). *تحلیل و نقد مبانی نظری تاریخ‌مندی قرآن با تأکید بر آرای اقبال و فضل‌الرحمان*. رساله دکتری. مجتمع آموزش عالی امام خمینی.

نوروزی، جمشید؛ رضائی، شهرام (۱۳۹۴). علل تعاملات سلاطین صفوی با علمای شیعه و نتایج آن. پژوهشنامه تاریخ اسلام، سال ۵، شماره ۱۹، ص ۲۴-۵.

Aers, D. & Beckwith, S. (۲۰۰۳). Introduction: Hermeneutics and Ideology. *Journal of Medieval and Early Modern Studies*, ۳۳(۲), p. ۲۱۱-۲۱۳.

Burns, T. (۲۰۱۱). Interpreting and appropriating texts in the history of political thought: Quentin Skinner and poststructuralism. *Contemporary Political Theory*, ۱۰(۳), p. ۳۱۳-۳۳۱

Giannakopoulos, G. & Quijano, F. (۲۰۱۲). On politics and history: A discussion with Quentin Skinner. *Journal of Intellectual History and Political Thought*, ۱(۱), p. ۷-۳۱

Pocock, J.G.A. (۱۹۸۵). *Virtue, commerce, and history: essays on political thought and history, chiefly in the eighteenth century* (Vol. ۲). Cambridge University Press.

Pocock, J.G.A. (۱۹۸۷). *The ancient constitution and the feudal law: a study of English historical thought in the seventeenth century* (Vol. ۲۷۶). Cambridge University Press.

Sebastián, J.F. & Skinner, Q. (۲۰۰۷). Intellectual history, liberty and republicanism: an interview with Quentin Skinner. *Contributions to the History of Concepts*, ۳(۱), p. ۱۰۳-۱۲۳.

Skinner, Q. (۱۹۶۹). Meaning and Understanding in the History of Ideas. *History and theory*, ۸(۱), p. ۳-۵۳.

Skinner, Q. (۱۹۷۲). Motives, intentions and the interpretation of texts. *New literary history*, ۳(۲), p. ۳۹۳-۴۰۸.

Skinner, Q. (۱۹۷۸). *The foundations of modern political thought: the age of reformation* (Vol. ۱). United kingdom: Cambridge University Press.

Skinner, Q. (۲۰۱۲). *Liberty before liberalism*. Cambridge University Press.

Tully, J.H. (۱۹۸۳). The pen is a mighty sword: Quentin Skinner's analysis of politics. *British Journal of Political Science*, ۱۳(۴), p. ۴۸۹-۵۰۹.